**تأثیر سرمایه­گذاران نهادی بر ارتباط بین کیفیت حسابرسی و میزان دقت (خطای) سود پیش­بینی شده شرکت­ها**

**چکیده**

هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر سرمایه­گذاران نهادی بر ارتباط بين كيفيت حسابرسي و ميزان دقت (خطاي) سود پيش‌بيني شده در شرکت­های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می­باشد. در راستای بررسی این موضوع، فرضیه‌های­ پژوهش بر مبنای یک نمونه آماری متشکل از 92 شرکت طی یک دوره 10 ساله از سال 1386 لغایت 1395 و با استفاده از الگوهای رگرسیونی چند متغیره مورد آزمون قرار گرفت. بدین منظور از اندازه مؤسسات حسابرسی، رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی، تخصص حسابرس در صنعت و دوره تصدی حسابرسی برای اندازه­گیری كيفيت حسابرسي بهره گرفته شده است. نتایج این پژوهش نشان می­دهد كه بین رتبه­بندی مؤسسات حسابرسی و تخصص حسابرس در صنعت با دقت پیش­بینی سود (میزان خطای سود پیش­بینی شده) شركت‌ها رابطه منفی (مثبت) و معناداری وجود دارد. همچنین، بین اندازه مؤسسات حسابرسی، دوره تصدی حسابرسی و سرمایه­گذاران نهادی با دقت پیش­بینی سود (میزان خطای سود پیش­بینی شده) شركت‌ها رابطه معناداری وجود ندارد. بعلاوه، حضور سرمایه­گذاران نهادی بر رابطه مثبت اندازه مؤسسات حسابرسی و دقت پیش‌بینی سود، تأثیر منفی و بر رابطه منفی تخصص حسابرس در صنعت و دوره تصدی حسابرسی با دقت پیش‌بینی سود، تأثیر مثبت می­گذارد. در نهایت، حضور سرمایه­گذاران نهادی تأثیر معناداری بر رابطه بین رتبه­بندی مؤسسات حسابرسی و دقت پیش­بینی سود (میزان خطای سود پیش­بینی شده) شركت‌ها ندارد.

**واژه­های کلیدی:** اندازه مؤسسات حسابرسی، رتبه­بندی مؤسسات حسابرسی، تخصص حسابرس در صنعت، دوره تصدی حسابرسی، دقت پیش­بینی سود، سرمایه­گذاران نهادی.

**کد طبقه­بندی موضوعی:** **G 23, G 32, M 42**

**مقدمه**

بسیاری از سرمایه­گذاران و اعتباردهندگان، تصمیمات سرمایه­گذاری خود را بر اساس اطلاعات منتشره از طرف شرکت­ها اتخاذ می­کنند. یکی از این اطلاعات، پیش­بینی سود از طرف مدیران شرکت­ها است. پيش‌بيني‌هاي سود هر سهم در سرمايه­گذاري­ها از اهميت ويژه­اي برخوردار است. اهميت اين پيش­بيني به ميزان انحرافي بستگي دارد كه با واقعيت دارد. هرچه ميزان اين انحراف كمتر باشد، پيش­بيني از دقت بيشتري برخوردار است [9].

پيش­بيني سود توسط مديريت (به­صورت اختياري و يا اجباري) يكي از مكانيزم­هايي است كه مديريت از طريق آن اطلاعاتي را درباره وضعيت سودآوري آتي شركت ارايه مي­كند. ارائه اين اطلاعات يكي از ابزارهايي است كه از طريق آن مديران، انتظارات بازار نسبت به سودآوري شركت، اعتبار شركت در خصوص شفافيت اطلاعاتي و نيز دقت اطلاعات ارائه شده را مديريت مي­كنند [16]. نتايج پژوهش­هاي پيشين نشان مي­دهد، اعلام سود پيش­بيني شده مديريت به بازار بر قيمت سهام و قيمت­هاي پيشنهادي براي خريد و فروش سهام تأثير مي‌گذارد [19]. افزون بر اين، انتشار سود پيش‌بيني شده مديريت باعث كاهش عدم تقارن اطلاعاتي بين مديريت شركت و سرمايه­گذاران مي­شود. همچنين پژوهش­ها نشان داده است كه ميزان دقت (خطا) سود پيش­بيني شده توسط مديريت عامل مهم و تعيين كننده­اي براي تأثيرگذاري آن در بازار سهام است. نتايج پژوهش­ها نشان مي‌دهد، فقط چنانچه دقت (خطاي) سودهاي پيش‌بيني شده قبلي بالا (كم) باشد، اين پيش­بيني­ها مورد توجه سهامداران و سرمايه­گذاران قرار گرفته و در صورت وجود خطا در سودهاي پيش­بيني شده قبلي، اعلام سود پيش‌بيني شده مديريت مورد توجه بازار قرار نخواهد گرفت [16].

نتايج پژوهش­ها نشان مي­دهد، وجود منافع شخصي مديران مي­تواند بر رفتار آن­ها در تعيين سودهاي پيش‌بيني شده تأثيرگذار باشد [16]. از طرف دیگر، ورشكستگي اخير شركت­هاي بزرگ باعث شده است كه جامعه به اهميت شفافيت و پاسخ‌گويي شركت­ها پي ببرند. از سوي ديگر، مراجع قانون­گذار حاكيمت شركتي را به عنوان ابزاري سودمند براي بهبود كيفيت اطلاعات مالي افشا شده توسط شركت‌ها تلقي مي­كنند [18]. نقش کیفیت حسابرسی به عنوان یکی از مکانیزم­های حاکمیت شرکتی، در ادبیات مرتبط با آن بسیار مورد توجه قرار گرفته است. حسابرسی به عنوان یک مکانیزم کارآمد، به سهامداران این اطمینان را می­دهد که مدیران در اداره شرکت در راستای منافع سهامداران عمل نموده­اند یا خیر. از این­رو، کار حسابرسی اطمینان بخشی به سهامداران و سایر اشخاص ذینفعی است که با شرکت روبه­رو هستند [23].

بنابراین، حسابرسي صورت­هاي مالي از طريق انجام ارزيابي بي­طرفانه از دقت و ارائه منصفانه صورت­هاي مالي براساس استانداردهاي پذيرفته شده حسابداري داراي كاركرد اعتباربخشي است. اين سطح اعتباردهي حسابرسي به صورت­هاي مالي، تابع كيفيت حسابرسي است [13]. بنابراين مي­توان گفت با افزايش كيفيت حسابرسي، قابليت اطمينان و اتكاي اطلاعات مندرج در صورت­هاي مالي شامل سود گزارش شده در صورت سود و زيان، افزايش مي­يابد. اين بدين معني است كه با افزايش كيفيت حسابرسي، توانايي مديريت براي به كارگيري شيوه­هاي ارائه نادرست ارقام صورت­هاي مالي كاهش مي­يابد.

مطالعات بن، چویی و کانگ [13] نشان داده است که حسابرسان با کیفیت بالا، قابليت اطمينان و اتكاي گزارشگری مالی را با کاهش خطاهای اندازه­گیری عمدی و غیرعمدی در سود تاریخی که تحلیل­گران از آن برای پیش­بینی سودهای آتی استفاده می­کنند، افزایش می­دهند. بنابراین، وقتی کیفیت حسابرسی بالا باشد پیش‌بینی­های تحلیل­گران با احتمال زیادی با دقت بیشتر و پراکندگی کمتر همراه خواهد بود. نتایج تجربی آن­ها با استفاده از اندازه حسابرس و متخصص صنعت حسابرس به­عنوان نماینده­هایی برای کیفیت حسابرسی بالاتر، به‌طور عمومی با پیش­بینی­هایشان سازگار است. آن­ها یک ارتباط مثبت بین کیفیت حسابرسی و دقت پیش­بینی سود و یک ارتباط منفی بین کیفیت حسابرسی و پراکندگی پیش­بینی سود نشان دادند.

از طرف دیگر، در سال­های اخیر، ساختار مالکیت متمرکز و تأثیر آن بر ابعاد مختلف شرکت­ها، از جمله کیفیت سود به دلیل رواج آن در اکثر کشورها و به خصوص در میان اقتصادهای در حال رشد و بازارهای نوپای اروپا و آسیا، به­عنوان یکی از مسائل مهم در ادبیات حاکمیت شرکتی مطرح شده است [20]. سود خالص یکی از اقلام مندرج در صورت­های مالی است که در تصمیم‌گیری استفاده­کنندگان صورت­های مالی مانند سهامداران تأثیر بسزایی دارد و توجه زیادی را معطوف خود ساخته است. از این­رو، عموماً این­گونه تصور می‌شود که ساختار مالکیت شرکت­ها ممکن است به تغییر رفتار شرکت­ها منجر شود. این امر از فعالیت­های نظارتی که سرمایه­گذاران مختلف در این ساختار انجام می­دهند، نشأت می­گیرد [22].

مدیران تلاش می­کنند با انجام حسابرسی­های با کیفیت­تر، سرمایه­گذاران با اهمیتی هم­چون سرمایه­گذاران نهادی و دولتی را ترغیب به سرمایه­گذاری بیشتر در شرکت نمایند. از آنجا که، مدیران به­عنوان نماینده مالکان (سهامداران)، شرکت را اداره می­کنند اگر دست به رفتارهای فرصت طلبانه بزنند و تصمیماتی بگیرند که در جهت منافع آن­ها و عکس منافع سهامداران باشد، تضاد منافع بین مدیران و سهامداران ایجاد می‌گردد. در این میان، سهامداران نهادی به‌عنوان یکی از سازوکارهای مؤثر حاکمیت شرکتی که دارای اهمیت فزاینده‌ای بوده، با توجه به مالکیت بخش قابل توجهی از سهام شرکت­ها، از نفوذ قابل ملاحظه‌ای برخوردارند و می­توانند رویه‌های حسابداری و گزارشگری مالی شرکت را تحت تأثیر قرار دهند [11]. همچنین مشکلات نمایندگی بالقوه میان مدیران و سهامداران، تقاضای سهامداران را برای وجود مکانیزم­های نظارتی قوی­تری هم­چون انجام حسابرسی مستقل افزایش می­دهد. تمرکز مالکیت و افزایش مشکلات نمایندگی ناشی از آن نیز ممکن است باعث افزایش تقاضا برای حسابرسی شود [10]. بنابراین، تمرکز سرمایه­گذاران نهادی به کاهش ریسک بنگاه اقتصادی از طریق بهبود و ارتقای کیفیت گزارشگری مالی کمک می­کند و از سوی دیگر مدیران را برای تلاش در جهت افزایش ارزش شرکت به­جای پیگیری منافع شخصی کوتاه­مدت ترغیب می­کند [5]. بنابراین، انتظار می­رود در شرکت‌هایی با سرمایه‌گذاران نهادی، با افزایش کیفیت حسابرسی، میزان خطای سود پیش‌بینی شده کاهش یابد [12، 15].

بسیاری از صاحب­نظران، پژوهشگران حسابرسی و نهادهاي رسمی تدوین کننده استانداردهاي حسابرسی و آیین­هاي رفتار حرفه­اي براي توجیه­پذیر ساختن حسابرسی و افزایش کیفیت آن بر عواملی چون استقلال، صلاحیت حرفه­اي، تردید حرفه­اي، برنامه‌ریزي و سرپرستی مناسب کار حسابرسی و مواردي از این دست تأکید کرده­اند. برخی دیگر از صاحب­نظران شهرت حسابرس، عضویت وي در مجامع و تشکل­هاي حرفه­اي، اندازه مؤسسه حسابرسی، تخصص حسابرس در یک صنعت خاص (واتز و زیمرمن، 1985)، حق­الزحمه حسابرسی [کاپلی (1996) و پالمرز (1986)]، نتایج بررسی هم­پیشگان (کولبرت و همکاران، 1998) را به عنوان عوامل مؤثر بر کیفیت حسابرسی مورد تأکید قرار داده­اند [2]. لازم به ذکر است که در داخل کشور تنها به بررسی تأثير طول دوره تصدي حسابرسي بر خطای سود پيش‌بيني شده در شركت­هاي پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. در پژوهش حاضر از معیارهای اندازه مؤسسات حسابرسی، رتبه­بندی مؤسسات حسابرسی، تخصص حسابرس در صنعت و دوره تصدی حسابرسی برای اندازه­گیری کیفیت حسابرسی استفاده شده است.

با توجه به رشد روزافزون بازار بورس اوراق بهادار ایران و همچنین نیاز سرمایه­گذاران به اطلاعات جهت افزایش آگاهی و سرعت در تصمیم­گیری به موقع بازار سرمایه، و نیز آگاهی بیشتر سرمایه­گذاران از کیفیت اطلاعات افشاء شده شرکت­ها، تلاش می­شود با نتایجی که در این پژوهش گرفته خواهد شد با رفع موانع اطلاع‌رسانی در جهت افزایش آگاهی عمومی در مورد موضوع پژوهش، به سرمایه­گذاران کمک شود تا با اطلاعات بیشتری سرمایه­گذاری­های خود را مدیریت کنند. بر اساس مباحث ارائه شده، در این پژوهش به بررسي تأثیر سرمایه­گذاران نهادی بر ارتباط بين كيفيت حسابرسي و ميزان دقت (خطاي) سود پيش‌بيني شده در شرکت­های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته می‌شود.

در ادامه مقاله، با ارائه مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه­های پژوهش تدوین شده و توضیح مبسوطی از نحوه اندازه­گیری متغیرها داده شده است. سپس الگوهای پژوهش توضیح داده شده و نتایج و یافته­های حاصل از اجرای الگوها بیان می­گردد. در خاتمه نیز به ارائه پیشنهادهای پژوهش پرداخته می­شود.

**پیشینه پژوهش**

امیدی گهر و دارابی [1] در پژوهشی به بررسی رابطۀ بین تغییرپذیری سود و پیش­بینی سود، با استفاده از شبکۀ عصبی در شرکت­های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. پژوهش حاضر، از نوع مطالعۀ کتابخانه­ای و تحلیلی-علّی بوده و مبتنی بر تحلیل داده­های تابلویی (پانل دیتا) و شبکۀ عصبی است. در این پژوهش، اطلاعات مالی 98 شرکت از 19 صنعت در بورس اوراق بهادار تهران در طی دورۀ زمانی 1388 تا 1393 بررسی شده است. یافته­های پژوهش نشان داده است كه رابطۀ معناداري بين تغییرپذیری سود و پیش­بینی سود وجود دارد. به‌علاوه، مدل شبکۀ عصبی در پیش­بینی سود، عملکرد بهتری نسبت به رگرسیون دارد.

قائمی و اسکندرلی [8] در پژوهشی رفتار مدیران شرکت­های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در پیش­بینی سود سالیانه را مورد مطالعه قرار دادند. مطابق مقررات پیش­بینی سود سالیانه برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار الزامی است ولی جرائم و محدودیتی برای انحراف ارقام پیش‌بینی شده از سود واقعی، صریحاً مطرح نشده است. در این پژوهش سوگیری مدیران در پیش­بینی سود سالیانه و اثر چهار متغیر، عملکرد گذشته شرکت، رویکرد مدیران در پیش­بینی سود سال گذشته، اندازه و نوع مالکیت شرکت در شرکت­های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی شده است. سوگیری مدیران در این مطالعه با استفاده از دو معیار، رشد پیش­بینی و خطای پیش­بینی سود اندازه­گیری می­شود. نمونه شامل 1135 سال-شرکت و 5334 مورد اعلان پیش­بینی سود توسط شرکت­های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی 1390-1386 می­باشد. تجزیه و تحلیل انجام شده نشان می­دهد عملکرد گذشته، رویکرد گذشته مدیران در پیش­بینی و نوع مالکیت شرکت در سوگیری مدیران در پیش‌بینی سود نقش دارد.

دارابی و امام جمعه [3] در پژوهشی به بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر صحت پیش­بینی سود پرداختند. تعداد 106 شرکت در طی سال­هاي 1386 تا 1390 از بین صنایع مختلف از شرکت­هاي پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد آزمون قرارگرفت. این تحقیق با توجه به هدف از نوع کاربردي و با توجه به نحوه گردآوري اطلاعات توصیفی و از نظر نوع، همبستگی است و براي آزمون فرضیه­هاي تحقیق از تحلیل رگرسیون پانل استفاده شده است. یافته­هاي پژوهش بیانگر آن است که رابطه معناداري بین درصد مالکیت سهامداران (بزرگ و کوچک) و صحت پیش­بینی سود وجود ندارد. یافته­هاي دیگر تحقیق بیانگر تأثیر مستقیم اندازه و رشد فروش شرکت بر صحت پیش­بینی سود و تأثیر معکوس نسبت اهرم مالی بر صحت پیش­بینی سود می­باشد. همچنین رابطه معناداري بین نسبت ارزش بازار به ارزش دفتري و میزان صحت پیش­بینی سود وجود ندارد.

دارابی، علیزاده و علیزاده [4] در پژوهشی رابطه میان طول دوره تصدي حسابرس و توانایی پیش­بینی سود را در مورد 117 شرکت از شرکت­هاي پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال­هاي مالی 1384 الی 1390 مورد بررسی قرار دادند. در این تحقیق ابتدا رابطه میان دوره تصدي حسابرس و توانایی پیش­بینی سود مورد آزمون قرار گرفت که نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان دهنده یک رابطه معنادار و مستقیم بین دوره تصدي حسابرس و توانایی پیش­بینی سود می­باشد. سپس رابطه بین دوره تصدي حسابرس با خطاي پیش‌بینی سود، رشد شرکت و رشد سود هر سهم مورد آزمون قرار گرفت، که نتایج حاصله نشان­دهنده وجود رابطه معکوس بین دوره تصدي حسابرس با خطاي پیش­بینی سود و وجود رابطه مستقیم بین دوره تصدي حسابرس با رشد شرکت و رشد سود هر سهم می­باشد.

سبزعلی­پور، قیطاسی و رحمتی [6] در پژوهشی به بررسي رابطه بين برخي از سازوكارهاي حاكميت شركتي (درصد اعضاي غيرموظف هيأت مديره، مالكيت نهادي، دوگانگي وظيفه مديرعامل و كيفيت حسابرسي) و دقت پيش­بيني سود پرداختند. نمونه آماري شامل تعداد 96 شركت پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طي سال‌هاي 1389-1384 است. براي آزمون فرضيه­هاي تحقيق از مدل رگرسيوني چند متغيره خطي با استفاده از داده­هاي تركيبي به روش كمترين مجذورات تعميم يافته استفاده شد. يافته­هاي پژوهش حاكي از وجود رابطه مثبت و معنادار بين درصد اعضاي غيرموظف هيأت مديره و عدم رابطه معنادار بين ساير سازوكارهاي حاكميت شركتي، نظير مالكيت نهادي، دوگانگي وظيفه مديرعامل و كيفيت حسابرسي با دقت پيش­بيني سود است.

عزیزخانی و صفروندی [7] در پژوهشی با توجه به ارتباط مستقيم بين كيفيت حسابرسي و كيفيت گزارشگري مالي، به بررسي چگونگي تأثير طول دوره تصدي حسابرسي بر قابليت پيش‌بيني سود حسابداري با تأكيد بر ميزان دقت (سطح خطا) سود پيش­بيني شده مديريت پرداختند. با استفاده از داده­هاي شركت­هاي پذيرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران، نتايج پژوهش نشان مي­دهد، در سال­هاي اوليه دوره تصدي حسابرسي، ميزان دقت سودهاي پيش­بيني شده مديريت افزايش (خطاي پيش­بيني كمتر) و پس از آن كاهش (خطاي پيش­بيني افزايش) مي­يابد. اين نتايج با فرضيه "تخصص حسابرس" كه گوياي افزايش كيفيت حسابرسي در سال‌هاي اوليه دوره تصدي به دليل افزايش شناخت حسابرس از صاحبكار و فرضيه "استقلال حسابرس" كه گوياي كاهش در كيفيت حسابرسي در سال­هاي بعدي طول دوره تصدي است، مطابقت دارد. نتايج اين پژوهش شواهد تجربي درباره چرخش اجباري مؤسسات حسابرسي فراهم مي‌آورد.

استوتز [21] در پژوهشی دقت پیش­بینی سود تحلیل­گر را در همه شرکت­های پذیرفته شده در بورس که 70 کشور را در بر می­گیرد، مورد ارزیابی قرار می­دهد. سه نتیجه اصلی از این پژوهش به­دست آمد: اولاً، پیش‌بینی‌های سود تحلیل­گر به­صورت جهانی در حالت خوش­بینانه 3/25% اشتباه است، به این معنا که به‌طور میانگین، تحلیل­گران هر سال پیش­بینی سود شرکت‌ها را 125 دلار آمریکا می­دانند، اما 12 ماه بعد شرکت سودی حدود 100 دلار آمریکا گزارش کرد. ثانیاً، تحلیل­گران یک زمان دشوارتری برای پیش­بینی سود برای شرکت­هایی در بازارهای در حال توسعه دارند، در حالی­که آن­ها 35% به­صورت خوش­بینانه دچار اشتباه می­شوند. سوماً، خوش­بینی تحلیل­گر عموماً وقتی رخ می­دهد که شرکت­هایی که توسط آن­ها پیش‌بینی شده­اند سطوح خیلی پایینی از رشد واقعی سود را تجربه می­کنند، و تحلیل­گران نه با یک خطای مساوی، بلکه با خطای مقابل برای شرکت­های با رشد سریع مواجه هستند.

کرافت، سوو و لوپاتا [17] به بررسی ارتباط بین پیش­بینی سود و عدم تقارن اطلاعاتی در 228 شرکت از کشور آلمان طی دورة زمانی 2012-2004 پرداختند. نتایج تحقیق آنان نشان داد که، با افزایش انحراف پیش‌بینی سود توسط مدیریت، عدم تقارن اطلاعاتی افزایش می­یابد. همچنین، آنان نشان دادند که مدیران براي کاهش انحرافات پیش­بینی از مدیریت سود استفاده می­کنند و از این طریق انحراف پیش­بینی سود را قبل از فروش سهام کاهش و قبل از خرید سهام افزایش می­دهند.

آدات، دورو و لیوگاپلین [12] به بررسی نقش حاکمیت شرکتی در برآورده کردن پیش­بینی تحلیل­گران بین 436 شرکت از کشور آمریکا طی دورة 2000 تا 2009 پرداختند. آن­ها به این نتیجه رسیدند که معیارهاي حاکمیت شرکتی بر پیش‌بینی­هاي تحلیل­گران اثرگذار می­باشد. به بیان دیگر، نتایج تحقیق نشان داد که دوگانگی وظیفۀ مدیرعامل، اندازة هیأت مدیره و تمرکز مالکیت با دقت پیش­بینی سود توسط تحلیل­گران ارتباط معناداري دارد.

داويس، سوو و ترامپیتر [14] با استفاده از داده­هاي قبل و بعد از SOX نشان دادند، توانايي شركت­ها براي استفاده از اقلام تعهدي براي پوشش سود پيش­بيني شده تحليل‌گران مالي طي سال­هاي اوليه دوره تصدي حسابرسي كاهش (تأئيد فرضيه تخصص حسابرس) و سپس افزايش (فرضيه استقلال حسابرس) مي­يابد و نقطه تغيير نيز در حدود چهارده سال است.

نورواتي و همكاران [18] با استفاده از نمونه­اي شامل 235 شركت مالزي در دوره 2006-1999، به بررسي رابطه حاكميت شركتي و دقت پيش­بيني­هاي سود پرداختند. نتايج آنان نشان داد كه كميته­هاي حسابرسي كه داراي اعضاي غيرموظف هستند و نيز اندازه كميته حسابرسي با خطاي مطلق پيش­بيني رابطه منفي دارد. به بيان ديگر، اندازه كميته حسابرسي با دقت پيش­بيني سود رابطه مثبتي دارد. نتايج آنان حاكي از آن است كه هرچقدر اعضاي بدون پست اجرايي در كميته حسابرسي و نيز اندازه كميته حسابرسي بيشتر باشد، دقت پيش‌بيني­هاي سود توسط مديريت بيشتر است. آنان هيچ رابطه معني­داري بين مشخصه­هاي هيأت مديره و دقت پيش­بيني سود مشاهده نكردند. همچنين نتايج تحقيق آنان حاكي از رابطه مثبت اندازه شركت با دقت پيش­بيني سود است. اين نتايج بيانگر آن است كه پيش­بيني­هاي سود در شركت­هاي بزرگتر از اعتبار بيشتري برخوردار است.

فرضیه­های پژوهش

**فرضیه اول:** بین اندازه مؤسسات حسابرسی و میزان دقت سود پیش­بینی شده رابطه معناداری وجود دارد.

**فرضیه دوم:** بين رتبه­بندی مؤسسات حسابرسی و میزان دقت سود پیش­بینی شده رابطه معناداری وجود دارد.

**فرضیه سوم:** بین تخصص حسابرس در صنعت و میزان دقت سود پیش­بینی شده رابطه معناداری وجود دارد.

**فرضیه چهارم:** بین دوره تصدی حسابرسی و میزان دقت سود پیش­بینی شده رابطه معناداری وجود دارد.

**فرضیه پنجم:** بين سرمایه­گذاران نهادی و میزان دقت سود پیش­بینی شده رابطه معناداری وجود دارد.

**فرضیه ششم:** سرمایه­گذاران نهادی اثر تعدیل کننده بر ارتباط بین اندازه مؤسسات حسابرسی و میزان دقت سود پیش­بینی شده دارد.

**فرضیه هفتم:** سرمایه­گذاران نهادی اثر تعدیل کننده بر ارتباط بین رتبه­بندی مؤسسات حسابرسی و میزان دقت سود پیش­بینی شده دارد.

**فرضیه هشتم:** سرمایه­گذاران نهادی اثر تعدیل کننده بر ارتباط بین تخصص حسابرس در صنعت و میزان دقت سود پیش­بینی شده دارد.

**فرضیه نهم:** سرمایه­گذاران نهادی اثر تعدیل کننده بر ارتباط بین دوره تصدی حسابرسی و میزان دقت سود پیش‌بینی شده دارد.

**روش­شناسی پژوهش**

روش پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی و به روش پس­رویدادی و بر مبنای هدف از نوع کاربردی است. مبانی نظری و پیشینه پژوهش، به روش کتابخانه­ای و داده­های مورد نظر آزمون فرضیه­ها نیز از گزارش­های مالی موجود در آرشیو بورس اوراق بهادار تهران، بانک­های اطلاعاتی موجود در بازار همچون ره‌آورد نوین و اطلاعات موجود در سایت کدال، جمع­آوری گردید. جامعه آماري اين پژوهش از كليه شركت‌هاي پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران كه از ابتداي سال 1386 تا پايان سال 1395 در بورس فعال بوده‌اند، تشكيل شده است. نمونه آماري، با توجه به معيارهای گزينشي زير انتخاب گرديد:

1. شركت­ها در طول دوره پژوهش تغيير سال مالي نداده باشند. 2. نوع فعاليت شركت­ها، توليدي بوده و لذا جزء شرکت­های سرمایه­گذاری و واسطه­گری مالی نباشد. 3. پايان سال مالی شركت‌هاي مورد مطالعه منتهی به ٢٩ اسفندماه در هر سال باشد. 4. وقفه معاملاتی بیش از 6 ماه نداشته باشند. 5. ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت­های نمونه مثبت باشد. مجموعه 92 شرکت که حائز شرایط فوق بودند به­عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.

**الگوها و متغیرهای پژوهش**

برای آزمون فرضیه­های اول تا چهارم پژوهش الگوی (1) به شرح ذیل برآورد می­شود:

الگوی 1)

برای آزمون فرضیه­های پنجم تا نهم پژوهش الگوی (2) به شرح ذیل برآورد می­شود:

الگوی 2)

تعاریف عملیاتی متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه­گیری آن­ها در نگاره (1) آورده شده است.

**نگاره 1. تعاریف عملیاتی متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه­گیری آن­ها**

| **نوع متغیر** | **نام متغیر** | **نماد متغیر** | **نحوه محاسبه** |
| --- | --- | --- | --- |
| وابسته | دقت پیش­بینی سود | ACCY | FORECAST سود هر سهم پیش­بینی شده  EPS سود هر سهم واقعی  PRICE قیمت سهام ابتدای دوره |
| مستقل | اندازه مؤسسات حسابرسی | AUDITOR | اگر حسابرس شرکت؛ سازمان حسابرسی باشد ارزش یک و در غیراینصورت ارزش صفر می­گیرد. |
| امتیاز کنترل وضعیت و کیفیت حسابرسی مؤسسه | AUDIT RANK | این رتبه­بندی از سوی جامعه حسابداران رسمی منتشر می‌شود و مؤسسه‌ها در 4 گروه (الف تا دال) قرار می­گیرند. |
| تخصص حسابرس در صنعت | ISPEC | نسبت مجموع دارایی­های تمام صاحبکاران یک مؤسسه حسابرسی خاص در یک صنعت خاص به مجموع دارایی‌های صاحبکاران در این صنعت |
| دوره تصدی حسابرسی | AUDIT TENURE | برابر است با تعداد سال­های متوالی حسابرسی یک شرکت توسط یک حسابرس |
| سرمایه­گذاران نهادی | INSOWN | درصد مالکیت سهامداران نهادی (سهامدارانی که حداقل 5% سهام شرکت را دارا هستند) |
| کنترل | اندازه شرکت | SIZE | لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام |
| تغییرات سود خالص | SURPRISE | نسبت تغییرات سود خالص به قیمت سهام |
| زیان خالص | LOSS | در صورتی­که شرکت زیان­ده باشد مقدار یک و در غیراینصورت مقدار صفر لحاظ می­شود. |
| رتبه ورشکستگی مالی زیمسکی (1984) | ZMIJ | X1 نسبت سود خالص به کل دارایی­ها  X2 نسبت کل بدهی­ها به کل دارایی­ها  X3 نسبت دارایی­های جاری به بدهی­های جاری |
| نوسان­پذیری سود | STDROE | انحراف استاندارد نسبت سود خالص به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام طی 3 سال گذشته |
| سود هر سهم | EPS | سود هر سهم شرکت i در سال t |
| نوع گزارش حسابرسی | AUDIT REPORT | اگر گزارش حسابرسی شرکت مقبول باشد ارزش یک و در غیراینصورت ارزش صفر می­گیرد. |
| نوع مالکیت | GOVERN | اگر 50% سهام شرکت در اختیار سهامداران دولتی باشد ارزش یک و در غیراینصورت ارزش صفر می­گیرد. |

**یافته­های پژوهش**

**آمار توصیفی**

به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات، ابتدا آمار توصیفی داده­‌های تحت بررسی محاسبه گردید و در نگاره (2) شاخص‌های مرکزی و پراکندگی ارائه می­شود.

**نگاره 2. آمار توصیفی کل متغیرهای پژوهش**

| **نماد متغیر** | **میانگین** | **حداکثر** | **حداقل** | **انحراف معیار** | **چولگی** | **کشیدگی** | **مشاهدات** |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| ACCY | 106/0- | 000/0 | 866/1- | 155/0 | 822/4- | 214/8 | 920 |
| AUDITOR | 242/0 | 000/1 | 000/0 | 429/0 | 202/1 | 446/2 | 920 |
| AUDIT RANK | 202/1 | 000/4 | 000/1 | 455/0 | 250/2 | 871/7 | 920 |
| ISPEC | 247/0 | 000/1 | 001/0 | 299/0 | 195/1 | 011/3 | 920 |
| AUDIT TENURE | 841/2 | 000/10 | 000/1 | 016/2 | 518/1 | 223/5 | 920 |
| INSOWN | 684/0 | 995/0 | 000/0 | 285/0 | 165/1- | 074/3 | 920 |
| SIZE | 378/13 | 453/18 | 478/9 | 605/1 | 434/0 | 163/3 | 920 |
| SURPRISE | 006/0- | 544/1 | 578/2- | 202/0 | 107/4- | 749/5 | 920 |
| LOSS | 049/0 | 000/1 | 000/0 | 216/0 | 183/4 | 496/8 | 920 |
| ZMIJ | 558/1- | 437/1 | 077/6- | 347/1 | 601/0- | 141/3 | 920 |
| STDROE | 130/0 | 149/2 | 002/0 | 191/0 | 710/5 | 120/7 | 920 |
| EPS | 013/0 | 625/0 | 294/0- | 041/0 | 234/8 | 688/11 | 920 |
| AUDIT REPORT | 470/0 | 000/1 | 000/0 | 499/0 | 122/0 | 015/1 | 920 |
| GOVERN | 473/0 | 000/1 | 000/0 | 500/0 | 109/0 | 012/1 | 920 |

منبع: یافته­های پژوهش

نتایج نگاره (2) نشان می­دهد که میانگین دقت پیش­بینی سود شرکت­ها (ACCY) به­طور متوسط طی یک سال حدود 106/0- است. همچنین، میانگین اندازه مؤسسات حسابرسی (AUDITOR) بیانگر این است که به‌طور متوسط طی یک سال حدود 24% از حسابرسی شرکت­های نمونه را سازمان حسابرسی انجام می‌دهد. میانگین امتیاز کنترل وضعیت و کیفیت حسابرسی مؤسسه (AUDIT RANK) در شرکت‌های نمونه به­طور متوسط طی یک سال حدود 20/1 می‌باشد، یعنی امتیازی کمتر از متوسط امتیاز تعیین شده (2). متوسط تخصص حسابرس در صنعت (ISPEC) 25% می­باشد. میانگین دوره تصدی حسابرسی (AUDIT TENURE) نیز 841/2 سال می­باشد، یعنی شرکت­ها به­طور متوسط هر سه سال حسابرس خود را تغییر می­دهند. میانگین متغیر مالکیت نهادی (INSOWN) 684/0 می­باشد، یعنی به­طور متوسط 68 درصد از سهام شرکت­های نمونه در اختیار مالکان نهادی است.

**نتایج آزمون فرضیه­های اول تا چهارم پژوهش**

قبل از برازش الگوي (1)، ابتدا لازم است آزمون تشخیصی F لیمر برای انتخاب از بین الگوهای داده‌های ترکیبی معمولي در مقابل الگوی داده­های تابلویی با اثرات ثابت انجام شود که نتايج آن در نگاره (3) آورده شده است.

**نگاره 3. نتايج آزمون تشخیصی F لیمر**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **الگو** | **آماره آزمون** | **سطح معناداری** | **روش پذيرفته شده** |
| 1 | 206/1 | 102/0 | روش داده­های ترکیبی |

منبع: یافته­های پژوهش

با توجه به اینکه سطح معناداری به­دست آمده از آزمون F لیمر، بیشتر از 5% می­باشد فرضیه صفر (داده‌های تلفیقی) پذیرفته می­شود. بنابراین، براي تخمين الگو از روش داده­هاي ترکيبي معمولي استفاده مي‌شود.

نتيجه حاصل از تخمين اين الگو به همراه آزمون­هاي تعيين اعتبار باقيمانده­هاي الگو در نگاره (4) ارائه شده است:

**نگاره 4. نتایج آزمون فرضیه­های اول تا چهارم**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **متغیر** | **ضرایب** | **آماره t** | **سطح معناداری** | **VIF** |
| C | 093/0- | 949/1- | 052/0 | - |
| AUDITOR | 022/0 | 304/1 | 192/0 | 270/2 |
| AUDIT RANK | 026/0- | 307/2- | 021/0 | 130/1 |
| ISPEC | 065/0- | 777/2- | 006/0 | 137/2 |
| AUDIT TENURE | 0003/0- | 090/0- | 928/0 | 444/1 |
| SIZE | 003/0 | 980/0 | 327/0 | 385/1 |
| SURPRISE | 176/0- | 780/6- | 000/0 | 211/1 |
| LOSS | 148/0- | 076/6- | 000/0 | 205/1 |
| ZMIJ | 002/0- | 541/0- | 589/0 | 376/1 |
| STDROE | 174/0- | 388/6- | 000/0 | 186/1 |
| EPS | 289/0- | 235/2- | 026/0 | 214/1 |
| AUDIT REPORT | 020/0 | 996/1 | 046/0 | 075/1 |
| GOVERN | 008/0 | 737/0 | 462/0 | 201/1 |
| **ضریب تعیین** | **ضریب تعیین تعدیل شده** | **آماره دوربین واتسون** | **آماره F فیشر** | **سطح معناداری آماره F فیشر** |
| 140/0 | 128/0 | 86/1 | 284/12 | 000/0 |

منبع: یافته­های پژوهش

نتایج نگاره (4) نشان می­دهد که مقدار آماره دوربين-واتسون بين 5/1 تا 5/2 قرار دارد، بنابراین عدم همبستگي در اجزاء باقیمانده الگوی رگرسيوني فوق را تأیید مي­كند. مقدار آماره VIF برای همه متغیرها کمتر از 5 می­باشد، بنابراین مشکل هم­خطی بین متغیرها وجود ندارد. با توجه به اینکه سطح معنی­داری آماره F فیشر کمتر از 5% است، لذا معناداری کل رگرسیون در سطح اطمینان 95% تأیید می‌شود. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده الگو نشان می­دهد که مجموعاً 13% از تغییرات حاصله در متغیر وابسته می‌تواند توسط متغیرهای مستقل و معنی­دار شده در این الگو توضیح داده شود.

هدف از تدوين فرضيه اول، بررسی رابطه بین اندازه مؤسسات حسابرسی و میزان خطای سود پیش­بینی شده شركت‌ها است. با توجه به نتايج به­دست آمده در نگاره (4) از برآورد الگو، ضريب متغير اندازه مؤسسات حسابرسی (AUDITOR) برابر 022/0 مي­باشد و با توجه به سطح معناداری آن که برابر با 192/0 و بیشتر از سطح خطاي 05/0 است، در نتيجه اين فرضيه در سطح اطمينان 95/0 مورد تأييد قرار نمي­گيرد. بنابراین، بین اندازه مؤسسات حسابرسی و میزان دقت پیش­بینی سود شركت‌ها رابطه معناداری وجود ندارد.

هدف از تدوين فرضيه دوم، بررسی رابطه بین رتبه­بندی مؤسسات حسابرسی و میزان خطای سود پیش‌بینی شده شركت‌ها است. با توجه به نتايج به­دست آمده در نگاره (4) از برآورد الگو، ضريب متغير رتبه­بندی مؤسسات حسابرسی (AUDIT RANK) برابر 026/0- مي­باشد و با توجه به سطح معناداری آن که برابر با 021/0 و کمتر از سطح خطاي 05/0 است، در نتيجه اين فرضيه در سطح اطمينان 95/0 مورد تأييد قرار مي‌گيرد. بنابراین، بین رتبه­بندی مؤسسات حسابرسی و دقت پیش­بینی سود شركت‌ها رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

هدف از تدوين فرضيه سوم، بررسی رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و میزان خطای سود پیش‌بینی شده شركت‌ها است. با توجه به نتايج به­دست آمده در نگاره (4) از برآورد الگو، ضريب متغير تخصص حسابرس در صنعت (ISPEC) برابر 065/0- مي­باشد و با توجه به سطح معناداری آن که برابر با 006/0 و کمتر از سطح خطاي 05/0 است، در نتيجه اين فرضيه در سطح اطمينان 95/0 مورد تأييد قرار مي­گيرد. بنابراین، بین تخصص حسابرس در صنعت و دقت پیش­بینی سود شركت‌ها رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

هدف از تدوين فرضيه چهارم، بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرسی و میزان خطای سود پیش­بینی شده شركت‌ها است. با توجه به نتايج به­دست آمده در نگاره (4) از برآورد الگو، ضريب متغير دوره تصدی حسابرسی (AUDIT TENURE) برابر 0003/0- مي­باشد و با توجه به سطح معناداری آن که برابر با 928/0 و بیشتر از سطح خطاي 05/0 است، در نتيجه اين فرضيه در سطح اطمينان 95/0 مورد تأييد قرار نمي­گيرد. بنابراین، بین دوره تصدی حسابرسی و دقت پیش­بینی سود شركت‌ها رابطه معناداری وجود ندارد.

**نتایج آزمون فرضیه­های پنجم تا نهم پژوهش**

قبل از برازش الگوي (2)، ابتدا لازم است آزمون تشخیصی F لیمر برای انتخاب از بین الگوهای داده‌های ترکیبی معمولي در مقابل الگوی داده­های تابلویی با اثرات ثابت انجام شود که نتايج آن در نگاره (5) آورده شده است.

**نگاره 5. نتايج آزمون تشخیصی F لیمر**

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **الگو** | **آماره آزمون** | **سطح معناداری** | **روش پذيرفته شده** |
| 2 | 029/1 | 411/0 | روش داده­های ترکیبی |

منبع: یافته­های پژوهش

با توجه به اینکه سطح معناداری به­دست آمده از آزمون F لیمر، بیشتر از 5% می­باشد فرضیه صفر (داده‌های تلفیقی) پذیرفته می­شود. بنابراین، براي تخمين الگو از روش داده­هاي ترکيبي معمولي استفاده مي‌شود.

نتيجه حاصل از تخمين اين الگو به همراه آزمون­هاي تعيين اعتبار باقيمانده­هاي الگو در نگاره (6) ارائه شده است:

**نگاره 6. نتایج آزمون فرضیه­های پنجم تا نهم**

| **متغیر** | **ضرایب** | **آماره t** | **سطح معناداری** | **VIF** |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| C | 100/0- | 571/3- | 000/0 | - |
| AUDITOR | 021/0 | 265/2 | 024/0 | 171/2 |
| AUDIT RANK | 004/0- | 543/0- | 587/0 | 273/1 |
| ISPEC | 050/0- | 695/3- | 000/0 | 948/1 |
| AUDIT TENURE | 002/0- | 106/1- | 269/0 | 938/1 |
| INSOWN | 001/0 | 081/0 | 935/0 | 629/1 |
| INSOWN\*AUDITOR | 066/0- | 713/2- | 007/0 | 628/2 |
| INSOWN\*AUDIT RANK | 016/0- | 445/1- | 149/0 | 166/1 |
| INSOWN\*ISPEC | 069/0 | 997/1 | 046/0 | 505/2 |
| INSOWN\*AUDIT TENURE | 006/0 | 149/2 | 032/0 | 462/1 |
| SIZE | 003/0 | 430/1 | 153/0 | 689/1 |
| SURPRISE | 069/0- | 071/3- | 002/0 | 045/1 |
| LOSS | 009/0- | 740/0- | 460/0 | 148/1 |
| ZMIJ | 003/0- | 331/1- | 183/0 | 422/1 |
| STDROE | 238/0- | 302/8- | 000/0 | 388/1 |
| EPS | 022/0 | 215/0 | 829/0 | 505/1 |
| AUDIT REPORT | 021/0 | 758/3 | 000/0 | 088/1 |
| GOVERN | 002/0 | 364/0 | 716/0 | 474/1 |
| **ضریب تعیین** | **ضریب تعیین تعدیل شده** | **آماره دوربین واتسون** | **آماره F فیشر** | **سطح معناداری آماره F فیشر** |
| 151/0 | 134/0 | 95/1 | 497/8 | 000/0 |

منبع: یافته­های پژوهش

نتایج نگاره (6) نشان می­دهد که مقدار آماره دوربين-واتسون بين 5/1 تا 5/2 قرار دارد، بنابراین عدم همبستگي در اجزاء باقیمانده الگوی رگرسيوني فوق را تأیید مي­كند. مقدار آماره VIF برای همه متغیرها کمتر از 5 می­باشد، بنابراین مشکل هم­خطی بین متغیرها وجود ندارد. با توجه به اینکه سطح معنی­داری آماره F فیشر کمتر از 5% است، لذا معناداری کل رگرسیون در سطح اطمینان 95% تأیید می‌شود. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده الگو نشان می­دهد که مجموعاً 13% از تغییرات حاصله در متغیر وابسته می‌تواند توسط متغیرهای مستقل و معنی­دار شده در این الگو توضیح داده شود.

با توجه به نتايج به­دست آمده در نگاره (6) از برآورد الگو، ضريب متغير سرمایه‌گذاران نهادی (INSOWN) برابر 001/0 مي­باشد و با توجه به سطح معناداری آن که برابر با 935/0 و بیشتر از سطح خطاي 05/0 است، در نتيجه فرضيه پنجم در سطح اطمينان 95/0 مورد تأييد قرار نمي‌گيرد. بنابراین، بین سرمایه­گذاران نهادی و دقت پیش­بینی سود شركت‌ها رابطه معناداری وجود ندارد.

همچنین، نتايج به­دست آمده در نگاره (6) از برآورد الگو نشان می­دهد که ضريب متغير اندازه مؤسسات حسابرسی (AUDITOR) برابر 021/0 مي­باشد و با توجه به سطح معناداری آن که برابر با 024/0 و کمتر از سطح خطاي 05/0 است، در نتيجه، بین اندازه مؤسسات حسابرسی و دقت پیش­بینی سود شركت‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بنابراین، این فرضيه در سطح اطمينان 95/0 مورد تأييد قرار مي­گيرد. همچنین، ضريب متغير سرمایه­گذاران نهادی\*اندازه مؤسسات حسابرسی (INSOWN\*AUDITOR) برابر 066/0- و سطح معناداری آن برابر با 007/0 و کمتر از سطح خطاي 05/0 است. از آنجا که حضور سرمایه­گذاران نهادی منجر به کاهش رابطه مثبت اندازه مؤسسات حسابرسی و دقت پیش­بینی سود شركت‌ها می­شود، در نتيجه فرضيه ششم در سطح اطمينان 95/0 مورد تأييد قرار نمي‌گيرد.

بعلاوه، با توجه به نتايج به­دست آمده در نگاره (6) از برآورد الگو، ضريب متغير رتبه­بندی مؤسسات حسابرسی (AUDIT RANK) برابر 004/0- مي­باشد و با توجه به سطح معناداری آن که برابر با 587/0 و بیشتر از سطح خطاي 05/0 است، در نتيجه، بین رتبه­بندی مؤسسات حسابرسی و دقت پیش­بینی سود شركت‌ها معناداری وجود ندارد. بنابراین، اين فرضيه در سطح اطمينان 95/0 مورد تأييد قرار نمي­گيرد. همچنین، ضريب متغير سرمایه­گذاران نهادی\*رتبه­بندی مؤسسات حسابرسی (INSOWN\*AUDIT RANK) برابر 016/0- و سطح معناداری آن برابر با 149/0 و بیشتر از سطح خطاي 05/0 است. از آنجا که حضور سرمایه­گذاران نهادی تأثیر معناداری بر رابطه بین رتبه‌بندی مؤسسات حسابرسی و دقت پیش­بینی سود شركت‌ها ندارد، در نتيجه فرضيه هفتم در سطح اطمينان 95/0 مورد تأييد قرار نمي­گيرد.

همچنین، نتايج به­دست آمده در نگاره (6) از برآورد الگو نشان می­دهد که ضريب متغير تخصص حسابرس در صنعت (ISPEC) برابر 050/0- مي­باشد و با توجه به سطح معناداری آن که برابر با 000/0 و کمتر از سطح خطاي 05/0 است، در نتيجه، بین تخصص حسابرس در صنعت و دقت پیش­بینی سود شركت‌ها رابطه منفی و معناداری وجود دارد. بنابراین، این فرضيه در سطح اطمينان 95/0 مورد تأييد قرار مي­گيرد. همچنین، ضريب متغير سرمایه‌گذاران نهادی\*تخصص حسابرس در صنعت (INSOWN\*ISPEC) برابر 069/0 و سطح معناداری آن برابر با 046/0 و کمتر از سطح خطاي 05/0 است. از آنجا که حضور سرمایه‌گذاران نهادی رابطه منفی تخصص حسابرس در صنعت و دقت پیش­بینی سود شركت‌ها را مثبت می­کند (به‌عبارت دیگر، باعث افزایش دقت پیش­بینی سود می­شود)، در نتيجه فرضيه هشتم در سطح اطمينان 95/0 مورد تأييد قرار مي­گيرد.

در نهایت، با توجه به نتايج به­دست آمده در نگاره (6) از برآورد الگو، ضريب متغير دوره تصدی حسابرسی (AUDIT TENURE) برابر 002/0- مي­باشد و با توجه به سطح معناداری آن که برابر با 269/0 و بیشتر از سطح خطاي 05/0 است، در نتيجه، بین دوره تصدی حسابرسی و دقت پیش­بینی سود شركت‌ها رابطه معناداری وجود ندارد. بنابراین، اين فرضيه در سطح اطمينان 95/0 مورد تأييد قرار نمي­گيرد. همچنین، ضريب متغير سرمایه‌گذاران نهادی\*دوره تصدی حسابرسی (INSOWN\*AUDIT TENURE) برابر 006/0 و سطح معناداری آن برابر با 032/0 و کمتر از سطح خطاي 05/0 است. از آنجا که حضور سرمایه‌گذاران نهادی رابطه منفی دوره تصدی حسابرسی و دقت پیش­بینی سود شركت‌ها را مثبت می­کند (به­عبارت دیگر، باعث افزایش دقت پیش­بینی سود می­شود)، در نتيجه فرضيه نهم در سطح اطمينان 95/0 مورد تأييد قرار مي­گيرد.

**نتیجه­گیری و پیشنهادها**

در این پژوهش به بررسی ارتباط بين كيفيت حسابرسي و ميزان دقت (خطاي) سود پيش‌بيني شده با تأکید بر نقش میانجی سرمایه­گذاران نهادی در شرکت­های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شد. به طور کلی نتایج پژوهش بدون حضور سرمایه­گذاران نهادی نشان می­دهد که بین متغیرهای کیفیت حسابرسی شامل: رتبه­بندی مؤسسات حسابرسی و تخصص حسابرس در صنعت با دقت پیش­بینی سود (میزان خطای سود پیش‌بینی شده) شركت‌ها رابطه منفی (مثبت) و معناداری وجود دارد. به بیان دیگر، هرچه امتیاز کنترل وضعیت و کیفیت حسابرسی مؤسسه بالاتر باشد و حسابرس شرکت در صنعت متخصص­تر باشد، دقت پیش­بینی سود شرکت­ها کاهش و میزان خطای سود پیش­بینی شده شركت‌ها افزایش می­یابد. همچنین، بین متغیرهای کیفیت حسابرسی شامل: اندازه مؤسسات حسابرسی و دوره تصدی حسابرسی با دقت پیش­بینی سود (میزان خطای سود پیش­بینی شده) شركت‌ها رابطه معناداری وجود ندارد.

نتایج پژوهش با حضور سرمایه­گذاران نهادی نشان می­دهد که بین اندازه مؤسسات حسابرسی با دقت پیش‌بینی سود (میزان خطای سود پیش­بینی شده) شركت‌ها رابطه مثبت (منفی) و معناداری وجود دارد. به بیان دیگر، هرچه اندازه مؤسسات حسابرسی بزرگتر باشد دقت پیش‌بینی سود شرکت­ها افزایش و میزان خطای سود پیش­بینی شده شركت‌ها کاهش می­یابد. همچنین، بین تخصص حسابرس در صنعت با دقت پیش­بینی سود (میزان خطای سود پیش‌بینی شده) شركت‌ها رابطه منفی (مثبت) و معناداری وجود دارد. به بیان دیگر، هرچه حسابرس شرکت در صنعت متخصص­تر باشد، دقت پیش­بینی سود شرکت­ها کاهش و میزان خطای سود پیش­بینی شده شركت‌ها افزایش می­یابد. همچنین، بین متغیرهای کیفیت حسابرسی شامل: رتبه­بندی مؤسسات حسابرسی و دوره تصدی حسابرسی و سرمایه­گذاران نهادی با دقت پیش­بینی سود (میزان خطای سود پیش‌بینی شده) شركت‌ها رابطه معناداری وجود ندارد.

همچنین، حضور سرمایه­گذاران نهادی منجر به کاهش رابطه مثبت اندازه مؤسسات حسابرسی و دقت پیش‌بینی سود شركت‌ها می­شود. به بیان دیگر، باعث کاهش دقت پیش­بینی سود و افزایش میزان خطای سود پیش‌بینی شده شركت‌ها می­شود. در مقابل، سرمایه­گذاران نهادی بر رابطه منفی تخصص حسابرس در صنعت و دوره تصدی حسابرسی با دقت پیش‌بینی سود شركت‌ها تأثیر مثبت می­گذارد. به بیان دیگر، باعث افزایش دقت پیش­بینی سود و کاهش میزان خطای سود پیش‌بینی شده شركت‌ها می­شود. در نهایت، حضور سرمایه­گذاران نهادی تأثیر معناداری بر رابطه بین رتبه­بندی مؤسسات حسابرسی و دقت پیش­بینی سود (میزان خطای سود پیش‌بینی شده) شركت‌ها ندارد.

این نتایج را مي­توان اين­گونه تحليل كرد كه در ايران عمده سهامداران نهادي از نهادهاي دولتي و شبه دولتي هستند كه وابستگي آنان به دولت مي­تواند انگيزه آن­ها را در نظارت مؤثر بر كيفيت فرآيند گزارشگري مالي كاهش دهد. دليل ديگر در خصوص كاهش انگيزه آنان بر كيفيت گزارشگري مالي را مي­توان ناشي از اين دانست كه آنان قادرند اطلاعات مورد نياز خود را از طريق ساير منابع اطلاعاتي كسب كنند و در نتيجه، علاقه چنداني به پيش‌بيني‌هاي سود ارائه شده توسط مديريت و كيفيت بالاي آن ندارند. در مقابل، وجود همزمان کیفیت حسابرسی و سهامداران نهادي و افزايش درصد مالكيت آنان موجب تمايل شركت به ارائه پيش‌بيني‌هاي دقيق­تر سود گردد.

نتایج این پژوهش با شواهد دارابی و امام جمعه [3] که بیان داشتند رابطه معناداري بین درصد مالکیت سهامداران (بزرگ و کوچک) و صحت پیش­بینی سود وجود ندارد، همچنین، با نتایج سبزعلی­پور، قیطاسی و رحمتی [6] که رابطه معناداری بین مالكيت نهادي و كيفيت حسابرسي با دقت پيش­بيني سود نیافتند، و در نهایت، با نتایج بن، چویی و کانگ [13] که بیان داشتند در شرکت­هایی که به­واسطه 5 حسابرس بزرگ مورد حسابرسی قرار گرفته­اند، دقت پیش­بینی سود تحلیل­گران بالاتر است، در تطابق است. به­علاوه، با شواهد دارابی، علیزاده و علیزاده [4] که بیان داشتند رابطه معکوس بین دوره تصدي حسابرس با خطاي پیش­بینی سود وجود دارد، همچنین، با نتایج عزیزخانی و صفروندی [7] که رابطه معناداری بین دوره تصدي حسابرسي و ميزان دقت سودهاي پيش­بيني شده یافتند، و با شواهد آدات، دورو و لیوگاپلین [12] که نشان دادند تمرکز مالکیت با دقت پیش­بینی سود توسط تحلیل­گران ارتباط معناداري دارد، در تناقض است.

بر اساس مطالعات انجام شده و نتایج حاصل از این پژوهش، پیشنهاداتی به شرح زیر ارائه می‌گردد.

* با توجه به نتایج پژوهش مبنی بر اینکه "وجود همزمان کیفیت حسابرسی (تخصص حسابرس در صنعت و دوره تصدی حسابرسی) و سهامداران نهادي و افزايش درصد مالكيت آنان موجب تمايل شركت به ارائه پيش‌بيني‌هاي دقيق­تر سود می­شود" پیشنهاد می­گردد راهکارهایی در زمینه تقویت همزمان سازوکارهای حاکمیت شرکتی ارائه گردد.
* با توجه به نتایج پژوهش مبنی بر "وجود رابطه مثبت بین اندازه مؤسسات حسابرسی با دقت پیش­بینی سود شرکت‌ها و تأثیر منفی سرمایه­گذاران نهادی بر رابطه مذکور" به استفاده‌کنندگان از خدمات سازمان حسابرسی یادآور می‌شود که حضور سرمایه­گذاران نهادی منجر به کاهش کیفیت حسابرسی سازمان می­شود. به­طوری که باعث کاهش دقت پیش‌بینی سود و افزایش میزان خطای سود پیش‌بینی شده شركت‌ها می­شود.
* با توجه به نتایج به­دست آمده به مالکان و گردهمایی آن­ها در مجامع عمومی عادی پیشنهاد می‌گردد که نسبت به انتخاب مؤسسات حسابرسی خود حساسیت بیشتری به­خرج دهند و متخصص بودن حسابرس در صنعت را نه تنها مورد توجه قرار ندهند بلکه آن را به­عنوان یک عامل منفی در ارزیابی­های خود نسبت به تعیین حسابرس قرار دهند. زیرا نتایج نشان می‌دهد که حسابرسان متخصص صنعت دارای کیفیت حسابرسی بالایی نمی‌باشند و عملاً قادر به افزایش دقت پیش­بینی سود نیستند.
* در نهایت، به مؤسسات حسابرسی پیشنهاد می­گردد که هنگامی که در یک صنعت خاص تعداد صاحبکاران بیشتری را مورد حسابرسی قرار می­دهند، بهتر است نسبت به افزایش کیفیت حسابرسی خود در آن صنعت نیز اقدام نمایند تا مفهوم حسابرس متخصص صنعت به عنوان یک عامل مثبت در بورس اوراق بهادار تهران نمود پیدا کند.

**پیشنهادهایی برای پژوهش­های آتی**

1. انجام این پژوهش با استفاده از سایر معیارهای کیفیت حسابرسی مانند: نوع اظهارنظر حسابرس و یا تعداد بندهای گزارش حسابرسی؛
2. تأثیر سایر معیارهای حاکمیت شرکتی مانند: تمرکز مالکیت، اولین سهامدار عمده و مالکیت دولتی بر رابطه بین کیفیت حسابرسی و دقت پیش­بینی سود شرکت­ها؛
3. بررسی تأثیر ویژگی­های کمیته حسابرسی بر دقت پیش­بینی سود شرکت­ها؛
4. اولویت­بندی عوامل مؤثر بر دقت پیش­بینی سود شرکت­ها با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی؛

**منابع و مآخذ**

1. امیدی گهر، الهام و رویا دارابی. (1394). رابطۀ بین تغییرپذیری سود و پیش­بینی سود با استفاده از شبکۀ عصبی در شرکت­های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهشنامه اقتصاد و کسب و کار*، 6 (11): 92-77.
2. حساس یگانه، یحیی؛ ولی­زاده لاریجانی، اعظم و امیر محمدی. (1391). بررسی تأثیر تخصص صنعت حسابرس بر گزارشگری مالی و واکنش بازار سرمایه. *فصلنامه بورس اوراق بهادار*، 5 (19): 64-43.
3. دارابی، رویا و سیمین امام جمعه. (1393). بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر صحت پیش­بینی سود. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، 3 (10): 71-55.
4. دارابی، رویا؛ علیزاده، حمید و ژیلا علیزاده. (1392). بررسی رابطه بین دوره تصدي حسابرس با توانایی پیش­بینی سود و رشد شرکت. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، 2 (8): 128-111.
5. رضایی، فرزین و ثریا ویسی حصار. (1393). اثر روابط سیاسی با دولت بر رابطه بین تمرکز مالکیت با کیفیت گزارشگری مالی و هزینه سهام عادی. *بررسی­های حسابداری و حسابرسی*، 21 (4): 470-449.
6. سبز علی­پور، فرشاد؛ قیطاسی، روح­اله و سلمان رحمتی. (1391). بررسی رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و دقت پیش­بینی سود. *مجله پژوهش­های حسابداری مالی*، 4 (2): 140-123.
7. عزیزخانی، مسعود و علیرضا صفروندی. (1391). بررسی تأثير طول دوره تصدي حسابرسي بر خطای سود پيش‌بيني شده در شركت­هاي پذيرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی­های حسابداری و حسابرسی*، 19 (3): 78-61.
8. قائمی، محمد حسین و طاهر اسکندرلی. (1392). بررسی رفتار مدیران شرکت­ها در پیش­بینی سود سالیانه. *فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی*، 11 (40): 75-53.
9. مشايخ، شهناز و سيده سمانه شاهرخي. (1386). بررسي دقت پيش‌بيني سود توسط مديران و عوامل مؤثر بر آن. *بررسي‌هاي حسابداري و حسابرسي*، 14 (50): 80-65.
10. ملکیان، اسفندیار و بیتا نیکروان فرد. (1394). بررسی تأثیر مالکان نهادی و دولتی بر دستمزد حسابرسی مستقل در شرکت­های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مجله پیشرفت­های حسابداری دانشگاه شیراز*، 7 (1): 166-139.
11. مهرانی، ساسان؛ کرمی، غلامرضا؛ مرادی، محمد و هدی اسکندر. (1389). بررسی رابطه بین سرمایه‌گذاران نهادی و کیفیت گزارشگری مالی. *مجله پیشرفت­های حسابداری دانشگاه شیراز*، 2 (1): 249-227.
12. Adut, D., Duru, A. and Liv Gaplin, W. (2011). The Role of Corporate Governance in Meeting or Beating Analysts Forecast. *Journal of Accounting Public Policy*, 32: 188-198.
13. Behn, B. K., Choi, J-H, Kang, T. (2008). Audit Quality and Properties of Analyst Earnings Forecasts. *The Accounting Review*, Vol. 83, No. 2, pp. 327–349.
14. Davis, R., Soo B, & Trompeter G. (2009). Auditor Tenure and the Ability to Meet or Beat Earnings Forecasts. *Contemporary Accounting Research*, 26 (2), 517–548.
15. Emmia Garcia–Meca, Juan P. Sanchez-Ballesta. (2011). Ownership Structure and Forecast Accuracy in Spain. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 20: 73-82.
16. Hirts, E., Koonce L, and Vankataraman S. (2008). Management earnings forecasts: a review and framework. *Accounting Horizons*, 22 (3): 315-338.
17. Kraft, A., Soo, B. and Lopatta, K. (2014). Management Earnings Forecasts, insider Trading, and Information Asymmetry. *Journal of Corporate Finance*, 26: 96-123.
18. Nurwati A. et al. (2010). Corporate governance and earnings forecasts accuracy. *Asian Review of Accounting*, Vol. 18, No. 1, 50-67.
19. Pownall, G., Wasley C, and Waymire G. (1993). The stock price effects of alternative types of management earnings forecasts. *The Accounting Review*, 68 (3), 896-912.
20. Selarka, Ekta. (2005). Ownership concentration and firm value: A study from Indian corporate sector. *Emerging Markets Finance and Trade*, November, Vol. 41, Issue 6.
21. Stotz, Andrew, (2016). An Empirical Study of Financial Analysts Earnings Forecast Accuracy. Available at: <https://ssrn.com/abstract=2943146>
22. Velury, Uma and David S. Jenkins, (2006). Institutional ownership and the quality of earnings. *Journal of Business Research*, Vol. 59, Issue. 9, pp. 1043–1051.
23. Walker, M. (2003). Principal/agency theory when some agents are trustworthy. *Accounting and Finance Working Paper*, Manchester: Manchester Business School, Manchester University.

**The impact of Institutional Investors on relationship between Auditing Quality and Companies, Accuracy (Properties) of Forecasted Earnings**

**Abstract**

The main objective of this research is the impact of institutional investors on relationship between auditing quality and properties of forecasted earnings in listed companies in Tehran Stock Exchange. In order to investigate this, research hypotheses based on a statistical sample consisting of 92 companies over a 10-year period from 1386 to 1395 and were tested using multivariate regression models. To this end, the size of the audit firms, the ranking of the audit firms, the auditor's expertise in the industry, and the audit period used to measure the quality of the audit. The results of this study indicate that there is a negative (positive) and significant relation between ranking of audit firms and auditors' specialty in the industry with the earnings forecast accuracy (properties of forecasted earnings error) of the companies. Also, there is not a meaningful relationship between the size of the audit firms, the audit period and institutional investors with the earnings forecast accuracy (properties of forecasted earnings error) of the companies. Also, the presence of institutional investors has a negative effect on the positive relationship between the size of audit firms and the earnings forecast accuracy, and the positive impact on the negative relationship between the auditor's expertise in the industry and the audit period, with the earnings forecast accuracy. Finally, the presence of institutional investors does not have a significant effect on the relationship between audit firms' rating and the earnings forecast accuracy (properties of forecasted earnings error) of the companies.

**Keywords:** Audit firm size, Audit ranking, Auditor's specialty in industry, Audit period, earnings forecast accuracy, Institutional investors.

**JEL: G 23, G 32, M 42**